

## (فصل شانزدهم)

### آنچه بیشتر از همه اهمیت دارد

"اگر تمام اموال خود را به فقرا ببخشم و بخاطر اعلام پیغام انجیل، زنده زنده در میان شعله های آتش سوزانده شوم، اما نسبت به انسانها محبتی نداشته باشم، تمام فداکاریهایم بیهوده خواهد بود." (اول قرنتیان ۱۳: ۳)

"و محبت این است که بنابر احکام او سلوک نماییم. آری، همان گونه که از آغاز شنیده اید، حکم او این است که در محبت سلوک کنید." (دوم یوحنا ۱: ۶)

معنای زندگی، در محبت است.

مهمترین درسی که خدا می خواهد شما بر زمین یاد بگیرید، این است که چگونه محبت کنید، چون خدا محبت است. در محبت کردن است که بیشترین شباهت را به او داریم، پس محبت، اساس هر حکم دیگری است که او به ما داده است. زیرا تمام دستورهای خدا، در این دستور خلاصه می شود که: "دیگران را دوست بدار، به همان اندازه که خود را دوست می داری." (غلاطیان ۵: ۱۴)

یادگیری محبت کردن بدون خود خواهی، کار آسانی نیست. این عمل، درست بر عکس طبیعت خود محورانه ما است و به این علت است که خدا تمام مدت زندگیمان را به ما فرصت داده تا آن را یاد بگیریم. این کاملاً صحیح است که خدا از ما خواسته که همه را محبت کنیم، اما نباید فراموش کنیم که او بطور اخص مایل است که ما یاد بگیریم دیگران را در خانواده اش محبت کنیم. همانگونه که قبلاً مشاهده کردیم، این دومین هدف برای زندگی شما است. پطرس به ما می گوید: "ایمانداران را دوست بدارید." (اول پطرس ۲: ۱۷ ب) پولس این مقصود را اینچنین منعکس می کند: "پس تا فرصت داریم به همه نیکی کنیم، به ویژه به اهل بیت ایمان." (غلاطیان ۶: ۱۰)

چرا خدا اصرار می ورزد که ما نسبت به ایمانداران دیگر، محبت و توجه خاص داشته باشیم؟ چرا آنها در محبت شدن ارجحیت دارند؟ چون خدا می خواهد خانواده اش، بیشتر توسط محبتشان شناخته شوند، تا هر چیز دیگر. عیسی مسیح فرمود که محبت ما نسبت به یکدیگر، بزرگترین شهادت ما به دنیا است و نه اعتقادات آموزه ای ما. او فرمود: "محبت شما به یکدیگر، به جهان ثابت خواهد کرد که شما شاگردان من می باشید." (یوحنا ۱۳: ۳۵) پیش از آنکه در آسمان از بودن با خانواده خدا تا ابد لذت ببریم، کار بسیار سختی بر این زمین داریم تا خود را برای محبت در ابدیت آماده سازیم. خدا ما را با دادن "مسئولیت های خانوادگی" تربیت می کند، و مهمتر از همه اینها، تمرین محبت یکدیگر می باشد. خدا از شما می خواهد که شما در مشارکت نزدیک و دائم با دیگر ایمانداران باشید، تا استعداد محبت کردن را در خود توسعه دهید. محبت در انزوا یاد گرفته نخواهد شد. شما می باید دور و بر مردم باشید- دور و بر مردمی آزار دهنده، قاصر و مأیوس. توسط مشارکت با دیگران سه حقیقت مهم را یاد می گیریم:

### محبت، بهترین بهره گیری از زندگی است.

محبت، می باید در رأس ارجحیتها و هدف اصلی و بزرگترین آرزوی شما باشد. محبت فقط یک قسمت خوب زندگی شما نیست، بلکه مهمترین قسمت آن است. کتاب مقدس می فرماید: "محبت را مهم ترین هدف زندگی خود بسازید." (اول قرنتیان ۱۴: ۱ الف)

این گفته کافی نیست که: "یکی از چیزهایی که من در زندگی می خواهم این است که با محبت باشم." مثل اینکه محبت جزو فهرست ده چیز مهم زندگی شما باشد. روابط می باید بیشتر از هر چیز دیگر در زندگی شما ارجحیت داشته باشد. چرا؟

**زندگی بدون محبت واقعا بی ارزش است.** پولس اینچنین اظهار می دارد: "اگر همه دارایی خود را بین فقیران تقسیم کنم و تن خویش به شعله های آتش بسپارم، اما محبت نداشته باشم، هیچ سود نمی برم." (اول قرنتیان ۱۳: ۳ ب)

اغلب ما اینطور عمل می کنیم که، روابط چیزی است که باید بزور در برنامه روزانه مان جای دهیم و در باره پیدا کردن وقت برای فرزندانمان یا مردم دیگر در زندگیمان صحبت می کنیم. و این مسئله به ما این احساس را می دهد که روابط، فقط قسمتی از زندگی ما در کنار بسیاری وظایف دیگر را اشغال می کند. اما خدا می گوید معنای زندگی ما در روابط نهفته است.

چهار فرمان از ده فرمان در باره رابطه ما با خدا صحبت می کند، در حالیکه شش حکم یا فرمان دیگر، در مورد رابطه ما با مردم سخن می گوید. اما فراموش نکنید که تمام این ده فرمان در باره رابطه است! بعداً، عیسی مسیح آمد و آنچه را که برای خدا بسیار اهمیت دارد، در دو جمله خلاصه کرد: خدا و مردم را محبت کنید. او فرمود: "خداوند خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی فکر خود محبت نما این نخستین و بزرگترین حکم است. دومین حکم نیز

همچون حکم نخستین، مهم است: "همسایه ات را همچون خوشتن محبت نما" این دو حکم، اساس تمامی شریعت موسی و نوشته های پیامبران است. (متی: ۲۲: ۳۷-۴۰) پس از یادگیری محبت کردن خدا(پرستش)، فراگرفتن محبت کردن دیگران، دومین هدف زندگی شما است.

مهمترین چیز در زندگی نه کسب موفقیت و نه مالکیت چیزها، بلکه روابط می باشد. پس چرا روابط ما اینقدر فرصت کوتاه دارد؟ وقتی برنامه روزانه ما زیاده پر می شود، روابط ما سطحی می شود و در دادن وقت، انرژی و توجهی که مستلزم روابط محبتانه است، کوتاهی می ورزیم. آنچه اضطراری است، جای آنچه را که برای خدا مهم ترین است، گرفته است.

مشغولیت، بزرگترین دشمن روابط است. ما با پول در آوردن، انجام دادن کارمان، پرداختن صورتحسابها و رسیدن به هدفهای دیگر از پیش وقتمان پر می شود و طوری رفتار می کنیم، مثل اینکه این وظایف هدف زندگی می باشند. حقیقت این است که اینچنین نیست. هدف زندگی، یادگیری محبت کردن خدا و مردم است. زندگی منهای محبت مساوی است با صفر.

**محبت تا ابد برقرار است.** یکی دیگر از دلایلی که خدا به ما می گوید به محبت بالاترین اولویت را بدهیم این است که محبت ابدی است: "و حال این سه چیز باقی می ماند: ایمان، امید و محبت. اما بزرگترینشان محبت است." (اول قرنتیان ۱۳: ۱۳)

محبت، میراثی را بجای می گذارد. اینکه چگونه با مردم دیگر رفتار کردید، بیشترین تأثیر ماندنی خواهد بود که شما بر زمین بجا خواهید گذاشت و نه ثروت یا موفقیتها. همانطور که مادر ترزا گفت: "آنچه می کنی مهم نیست بلکه اینکه چقدر آن را با محبت انجام می دهی مهم است." محبت راز میراث بجا ماندنی است.

من در کنار تخت بسیاری از مردم بوده ام که در لحظات پایانی زندگیشان به سر می بردند، در حالیکه آنها در مرز ابدیت قرار داشتند، و بیاد ندارم که یکی از آنها اینچنین بگوید: "دیپلمهای مرا بیاور! می خواهم یکبار دیگر به آنها نگاه کنم. جوایز و مدالهایم و آن ساعت طلایی که به من داده شد را به من نشان بده." وقتی زندگی بر زمین پایان می پذیرد، آنچه توجه مردم را جلب می کند، اشیاء نیستند. آنچه بیشتر از همه دور و بر خود می خواهیم، مردم می باشند. مردمی که آنها را دوست داریم و با آنها رابطه داریم.

این در آخرین لحظات زندگی ما است که متوجه می شویم که معنای زندگی در روابط است. شخص حکیم این حقیقت را زودتر یاد می گیرد، قبل از آنکه دیر شود. منتظر نشوید که به بستر مرگ برسید تا درک کنید که هیچ چیز به این اندازه مهم نیست.

**ما بر اساس محبتمان ارزیابی خواهیم شد.** سومین دلیل اینکه یادگیری محبت کردن را هدف زندگی خود قرار دهید این است که، از ما بخاطر این در ابدیت ارزیابی خواهد شد. یکی از طریقههایی که خدا رشد روحانی را اندازه گیری می کند، توسط کیفیت روابط شما است. خدا در آسمان نخواهد گفت: "در مورد شغل به من بگو، در باره حساب بانکی ات و مشغولیتها برای من تعریف کن." بلکه اینکه با دیگر مردم، مخصوصاً افرادی که محتاج بودند، چطور رفتار کردی. (متی: ۲۵: ۳۴-۴۶) عیسی مسیح فرمود، طریقه محبت کردن او، محبت کردن خانواده او و توجه به احتیاجات عملی آنها می باشد: "آنچه برای یکی از کوچکترین برادران من کردید، در واقع برای من کردید." (متی: ۲۵: ۴۰)

وقتی شما به ابدیت منتقل شوید، آنچه که پشت سر بود، ترک خواهید کرد. تنها چیزی که با خود خواهید برد، کاراکتر یا شخصیت شما است. به همین منظور است که کتاب مقدس می فرماید: "مهم ایمانی است که از راه محبت عمل می کند." (غلاطیان ۵: ۶)

با دانش به این مسئله، پیشنهاد می کنم که هر صبح که بیدار می شوید، کنار تخت خود زانو بزنید یا بنشینید و اینطور دعا کنید: "خدایا، در حالیکه مشغول انجام کارها در طی روز هستم، می خواهم مطمئن باشم که وقت خود را صرف محبت کردن تو و دیگر مردم می کنم. چون معنای زندگی در این است. من نمی خواهم این روز خود را تلف کنم." چرا باید خدا روز دیگری را به تو بدهد، اگر تو می خواهی آن را تلف کنی؟

### **بهترین تجلی محبت در وقت است.**

یکی از چیزهایی که تعیین کننده اهمیت مسائل است، مدت زمانی است که ما حاضریم برای آنها صرف کنیم. هر قدر وقت صرف چیزی بکنید، نشاندهنده این است که آن چیز به چه اندازه برای شما مهم و با ارزش است. اگر می خواهید اولویتهای یک شخص را بدانید، کافیت نگاه کنید که وقت خود را چگونه صرف می کند.

زمان گرانبهاترین هدیه شما است، چون مقدار مشخصی از آن در اختیار شما است. شما می توانید پول بیشتر بدست بیاورید، ولی نمی توانید وقت بیشتر داشته باشید. وقتی را که به یک شخص می دهید، قسمتی از زندگی شما است که آن را دیگر بدست نخواهید آورد. وقت شما، زندگی شما است. به این علت بزرگترین هدیه ای که می توانید به کسی بدهید وقت شما است.

کافی نیست که فقط بگوئیم رابطه ها مهم است، بلکه باید با وقتی که برای آنها صرف می کنیم، اینرا ثابت کنیم. کلمات محض، بی ارزش می باشند. "فرزندان، بیایید محبت کنیم، نه به زبان و در گفتار، بلکه به راستی و در کردار!" (اول یوحنا ۳: ۱۸) رابطه ها وقت و انرژی می خواهند و بهترین روش هجی کردن محبت، "ز - م - ا - ن" می باشد.

جوهر محبت در این نیست که برای دیگران چه فکر می کنیم، یا انجام می دهیم، یا تهیه می کنیم، بلکه چقدر از خود فدا می کنیم. مخصوصاً مردان، اغلب این را درک نمی کنند. بسیاری به من گفته اند: "من نمی فهمم زن و بچه هایم از من چه می خواهند. من هر چه آنها احتیاج دارند، برایشان تهیه می کنم. بیشتر از این چه می خواهند؟" آنها شما را می خواهند! چشمان شما، گوشهای شما، وقت شما، توجه شما، حضور شما، تمرکز شما. وقت شما. هیچ چیز جای آن را نمی گیرد.

بیشترین هدیه خواسته شده از محبت، مرواریدها یا گل سرخ ها یا شکلاتها نیستند، بلکه توجه متمرکز شده می باشد. محبت آنچنان مصمم بر روی دیگری متمرکز می شود، که شما خود را در آن لحظه فراموش می کنید. توجه می گوید: "من به اندازه کافی به تو ارزش قائلم که گرانبهاترین سرمایه ام، یعنی وقتم را به تو می دهم." هر دفعه که وقت خود را می دهید، یک قربانی می کنید و قربانی جوهر محبت است. عیسی مسیح این را اینچنین نمونه قرار داد: "نسبت به دیگران، پر از محبت باشید. در این زمینه مسیح الگوی شما باشد، که آنقدر ما را دوست داشت که خود را مانند بره قربانی، به خدا تقدیم کرد تا گناهانمان را پاک سازد." (افسیان ۵: ۲)

شما می توانید بدون محبت، چیزی را قربانی کنید ولی نمی توانید بدون قربانی، محبت کنید. "خدا جهان را آنقدر محبت کرد که... داد" (یوحنا ۳: ۱۶ الف) محبت یعنی رها کردن- تسلیم کردن اولویتها، آسایش، هدفها، امنیت، پول، انرژی، یا وقت، برای منفعت رساندن به یک شخص دیگر.

### بهترین وقت محبت کردن، همین حالا است.

گاهی اوقات به تعویق انداختن، پاسخ شرعی ما به کار ناچیز می باشد. اما با توجه به اینکه محبت مهمترین چیز است، پس والاترین اولویت را دارا است. کتاب مقدس بارها بر این امر تأکید می ورزد: "پس تا فرصت داریم به همه نیکی کنیم." (غلاطیان ۶: ۱۰) "از هر فرصتی سود بجوئید تا اعمال نیک بجا آورید." (افسیان ۵: ۱۶) "اگر می توانی به داد کسی که محتاج است برسی، کمک خود را از او دریغ مدار. هرگز به همسایه ات مگو: برو فردا بیا"، اگر همان موقع می توانی به او کمک کنی." (امثال سلیمان ۳: ۲۷ و ۲۸)

چرا همین حالا بهترین وقت برای اظهار محبت است؟ چون شما نمی دانید که چقدر فرصت خواهید داشت. شرایط محیط عوض می شوند. مردم می میرند. فرزندان بالغ می شوند و هیچ ضمانتی برای فردا نیست. اگر می خواهی محبتت را ابراز کنی، بهتر است همین اکنون این کار را انجام دهی.

با دانش به اینکه روزی در برابر خدا خواهید ایستاد، چند سؤال است که باید از خود بکنید: در باره آن وقتی که پروژه ها یا چیزها، بیشتر از مردم، برای تو اهمیت داشته اند چه توضیحی خواهی داشت؟ با چه کسی احتیاج داری وقت بیشتری صرف کنی؟ چه چیزی از برنامه ات را باید حذف کنی تا این امر را ممکن سازی؟ چه قربانیهایی باید بکنی؟

بهترین نوع استفاده از زندگی، محبت کردن است. بهترین تجلی محبت، وقت است و بهترین وقت محبت کردن، همین حالا است.

### نکته مورد توجه: محبت معنای زندگی است.

آیه حفظی: "تمام شریعت در یک حکم خلاصه می شود و آن اینکه" همسایه ات را همچون خوشتن محبت نما" (غلاطیان ۵: ۱۴)

سوآلی که باید از خود بکنید: با خود صادق باشم، آیا روابط اولین اولویت من است؟ چطور می توانم مطمئن باشم که همینطور است؟